

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرمان امام اصفهانی

محمد رضا شب خیز

سرشناسه	:	شب خیز، محمد رضا
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگنامه اصول فقه / محمد رضا شب خیز
مشخصات نشر	:	تهران: کتاب آوا - ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	:	۴۲۲ صفحه
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۱۱۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص [۴۰۳] - ۴۲۲
موضوع	:	اصول فقه - راهنمای آموزشی (عالی)
شماره کتابساز ملی	:	۳۶۹۰۸۹۴

- ♦ نویسنده : محمد رضا شب خیز
- ♦ ناشر : کتاب آوا - تهران
- ♦ چاپ و صحافی : نگار - قم
- ♦ نوبت چاپ : اول
- ♦ ویراستار : علی چراغی
- ♦ صفحه آرا : سید محمد طباطبایی
- ♦ شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه
- ♦ قیمت : ۱۶۵۰۰۰ ریال
- ♦ شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۱۱۰-۹

فرهنگ اصول فقه



انتشارات کتاب آوا

نشانی دفتر مرکزی: انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن بست حقیقت، پلاک ۴، طبقه ۲، واحد ۴
شماره‌های تماس: ۶۶۹۷۴۶۴۵ | ۶۶۹۷۴۱۳۰ | ۶۶۴۰۷۹۹۳ | دورنگار: ۶۶۴۶۱۱۵۸

فروشگاه اینترنتی انتشارات کتاب آوا <http://www.avabook.com>

فروشگاه کتاب آوا: اسلام شهر، خیابان صیاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد اسلامی، جنب دادگستری
تلفن: ۵۶۳۵۴۶۵۱ - ۰۲۱

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

هر گونه کپی برداری و تهیه جزوه از متن کتاب، استفاده از طرح روی جلد و عنوان کتاب، جرم است و متخلفان، طبق قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِ قُلُوبِنَا أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ﷺ
وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.
خداوند بزرگ را سپاس گزارم که بر این بنده کوچک خویش مَنّت نهاد؛ و او را موفق به تألیف
اثری دیگر در زمینه علم شریف اصول فقه، قرار داد.

در کتاب‌های اصول فقه، عناوین و اصطلاحات خاص اصولی فراوانند و مخاطبان این کتاب‌ها،
هنگام مطالعه این کتاب‌ها، با این عناوین و اصطلاحات خاص مواجه می‌شوند و در مواقع،
معنای این عناوین و اصطلاحات را نمی‌دانند. در این مواقع، با مراجعه به کتاب‌هایی مانند فرهنگنامه‌ها،
به معنای این عناوین و اصطلاحات پی می‌برند.

در این زمینه، کتاب‌هایی تألیف شده است؛ که از ویژگی‌های قابل تحسینی برخوردارند؛ لیکن،
به این دلیل که یک‌سری مسائل در زمینه آموزش صحیح و مناسب علم اصول فقه همیشه در ذهن داشته‌ام،
به پیشنهاد اساتید، طلاب و دانشجویان، تصمیم گرفتم فرهنگنامه‌ای جدید، با ویژگی‌هایی خاص
که هدف اصلی‌ام در آموزش صحیح و مناسب علم اصول فقه را برآورده می‌کند، برای طلاب
و دانشجویان تهیه کنم.

به شهادت کلیه اساتید علم اصول فقه که به تدریس این علم می‌پردازند؛ در کُتب اصول فقه،
مشکلات فراوانی وجود دارد و از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- ساده نبودن بیان اکثر کتاب‌هایی که در زمینه علم اصول فقه نوشته شده‌اند.
- ۲- نبودن مثال‌های کاربردی در این کتاب‌ها.
- ۳- نبودن جذابیت در نحوه نگارش برخی از این کتاب‌ها؛ که مخاطبان را نه تنها از آن کتاب،
بلکه از مطالعه علم اصول فقه دور می‌کند.
- ۴- یک‌طرفه بودن بسیاری از این کتاب‌ها؛ به این معنا که، بهترین کتاب‌ها، کتاب‌هایی هستند که
وقتی خواننده آنها را مطالعه می‌کند، احساس می‌کند که در حال گفت‌وگو با مؤلف آن کتاب است
و در اصطلاح، این گونه کُتب، رویکردی دو طرفه دارند.
- ۵- نبودن یک خط سیر مشخص و منطقی در برخی از این کتاب‌ها، تا مخاطب، به آسانی و به درستی
متوجه شود که با مطالعه این کتاب، به دنبال چه چیزی است!

مهم‌ترین ویژگی‌های این فرهنگنامه، عبارتند از:

۱- کلیه مطالب کتاب، به بیان ساده نوشته شده است، به گونه‌ای که، مخاطب با یکبار مطالعه، مباحث را به شکل صحیح متوجه می‌شود.

واقعیت آن است که «ساده‌نویسی، دشوار است و دشوارنویسی، ساده»؛ چراکه، برای ساده‌نویسی، مؤلف باید بارها مطالب خود را تغییر دهد تا به قطع برسد که مطالبش ساده و روان نوشته شده است؛ ولی فردی که به دنبال نوشتن مطلبی به زبان دشوار و سنگین است، چنین کاری نمی‌کند.

برای ساده شدن مطالب، بارها تمام مطالب کتاب را در اختیار دانشجویان و طلاب قرار دادم تا آن را از جهت ساده یا دشوار بودن، مطالعه و بررسی کنند؛ و در این راه، بارها مطالب کتاب را تغییر دادیم تا ساده‌ترین و روان‌ترین مطلب، به عنوان متن نهایی کتاب انتخاب شد.

برخی زیبایی کتاب و هر نوشتاری را، در سنگین بودن بیان آن می‌دانند که این نظر کاملاً اشتباه است و چیزی جز دور کردن مخاطب از آن کتاب و گاه از آن علم، به دنبال ندارد؛ و در مقابل، برخی هم، زیبایی کتاب را، در ساده بودن بیان آن می‌دانند که این افراد، توانسته‌اند مخاطبان خود را به آن کتاب و آن علم، علاقه‌مند کنند.

۲- هنگامی که طلاب و دانشجویان، برخی از مباحث علم اصول فقه را مطالعه می‌کنند، پس از مطالعه آن، وقتی بخواهند آن را توضیح دهند، در صورتی که برداشت نادرستی از آن مطلب داشته باشند، آن مطلب را به درستی توضیح نمی‌دهند (و همان برداشت نادرست خود را توضیح می‌دهند). برای رفع این مشکل که درباره مطالب علم اصول فقه برای طلاب و دانشجویان بسیار اتفاق می‌افتد، مطالب را «به سبک مفهومی» نوشتم و از بهترین ویراستاران ادبی برای رفع این مشکل استفاده کردم.

۳- برای آموزش صحیح و دقیق برخی علوم، باید از مثال‌های متنوع استفاده کنیم؛ و علم اصول فقه هم، از جمله همین علوم می‌باشد. برخی برای آموزش این علم، از ذکر مثال خودداری کرده‌اند و برخی هم، مثال‌هایی ذکر کرده‌اند که این مثال‌ها، کاربردی نمی‌باشند. استفاده از مثال‌های غیر کاربردی، نه تنها دانشجو و طلبه را به مطالعه یک کتاب علاقه‌مند نمی‌کند، بلکه او را نسبت به آن کتاب، بی‌علاقه می‌کند. مثال‌ها باید ملموس و کاربردی باشند، به گونه‌ای که مخاطب متوجه شود که علمی که با آن سر و کار دارد، علمی است کاربردی و نه بی‌ثمر.

در برخی مباحث، استفاده از مثال‌های فقهی را برای آموزش صحیح آن بحث، بهتر دیدم، لذا از مثال‌های فقهی استفاده کردم؛ و در برخی مباحث هم، چون استفاده از مثال‌های حقوقی را برای آموزش آن مبحث بهتر دیدم، از مثال‌های حقوقی استفاده کردم؛ و در عین حال، هر جا مثال فقهی بیان شده، مثال، به گونه‌ای است که دانشجویان آن مثال را به خوبی درک می‌کنند و نا آشنا برای آنها نیست؛ و هر جا که مثال حقوقی بیان شده، مثال، به گونه‌ای است که طلاب آن مثال را به خوبی درک می‌کنند و نا آشنا برای آنها نیست.

۴- بسیار مشاهده می‌کنیم که طلاب و دانشجویان، الفاظ و عناوین را به شکل غلط تلفظ می‌کنند؛ که این الفاظ و عناوین، در علم اصول فقه فراوانند؛ به همین جهت، کلیه عناوین کتاب را، اعراب‌گذاری کردم.

تلفظ نادرست عناوین و اصطلاحات، مشکل‌ساز است؛ و در جایی مشکل‌سازتر می‌شود که، لفظی وجود داشته باشد که اگر به اشتباه تلفظ شود، معنایش تغییر می‌کند. به عنوان مثال: «بَرّ» به معنای «خشکی و بیابان» است؛ «بِرّ» به معنای «نیکی» است؛ و «بُِرّ» به معنای گندم است. الفاظی از این دست، فراوانند؛ و متأسفانه، اکثر اوقات، اهمیت چندانی برای این مسئله قائل نمی‌شویم. آیا تاکنون به این پرسش پاسخ داده‌ایم که بالاخره، «سفته» درست است یا «سفته»؛ و یا هر کدام دارای معنایی متفاوت هستند؟ آیا «دین» درست است یا «دین»؛ و یا هر کدام دارای معنایی متفاوت هستند؟ «ضمان» یا «ضمان»؟! و... که همه اینها، دارای معنایی متفاوتی هستند.

۵- در اکثر کتاب‌های اصول فقه شیعه، منابع و مأخذ زیادی دیده نمی‌شود و در برخی هم، هیچ منبع و مأخذی وجود ندارد (عکس کتاب‌های اصول فقه اهل سنت، که برای هر مبحثی، گاه حداقل ده منبع معتبر هم ذکر می‌کنند).

شاید برخی کتاب‌ها، نیازی به منابع و مأخذ نداشته باشند؛ ولی کتابی که مخاطبش دانشجو و طلبه است، یقیناً باید با منابع و مأخذ نوشته شود تا آنها، بتوانند به هر دلیلی مانند مطالعه بیشتر و یا انجام تحقیقات، به آن منابع رجوع کنند.

در این کتاب، سعی کرده‌ام برای هر مبحث، بهترین منابع و مأخذ را که ثمرات بیشتری برای مخاطب به دنبال دارد ذکر کنم، تا دانشجویان و طلاب با مراجعه به آن کُتب، اطلاعات کامل‌تر و بیشتری نسبت به آن مبحث به دست آورند.

برخی از مباحث علم اصول فقه، مباحثی‌اند که شیعیان با آن بیشتر سر و کار دارند، که در این مباحث، اکثراً منابع و کُتب اصیل اصولیون شیعه را ذکر کرده‌ام و البته به منابع اهل سنت هم اشاره کرده‌ام؛ لیکن، برخی از مباحث علم اصول فقه، مباحثی‌اند که اصولیون اهل سنت با آن بیشتر سر و کار دارند، که در این مباحث، اکثراً منابع و کُتب اصیل اصولیون اهل سنت را ذکر کرده‌ام و در این موارد هم، به منابع و کُتب اصولیون شیعه اشاره کرده‌ام.

۶- در کتاب‌های اصول فقه، الفاظ و عناوینی وجود دارد که دانشجویان با آنها آشنا نیستند ولی طلاب به جهت مطالعه کُتب مختلف فقهی و اصولی با آنها آشنا هستند؛ و با بررسی فرهنگنامه‌های مختلف، متوجه شدم که در آن فرهنگنامه‌ها، از ذکر این الفاظ و عناوین به علت اینکه از دید طلاب ساده‌اند، خودداری شده؛ ولی باید دانست که علم اصول فقه، علمی است که هم دانشجویان رشته‌هایی مانند «حقوق» و «فقه و حقوق» آن را مطالعه می‌کنند و هم طلاب؛ لذا، نه فقط فرهنگنامه‌ها، بلکه کلیه کُتب اصول فقه، باید با این دید نوشته شوند که مخاطبشان، هم طلبه است و هم دانشجو؛ که این گونه الفاظ و عناوین را هم، در این کتاب، ذکر کرده‌ام.

۷- دامنه الفاظ و عناوینی که در این فرهنگنامه بیان شده است، تا جایی است که کلیه الفاظ و عناوین مورد نیاز «دانشجویان مقطع کارشناسی تا مقطع دکتری» و «طلاب مبتدی تا طلاب سطوح عالی و درس خارج حوزه» را ذکر کرده باشم و در این راه، با استفاده از گروهی متشکل از برترین دانشجویان و طلاب، تمام الفاظ و عناوین موجود در «کلیه کتاب‌های درسی و غیر درسی اصول فقه طلاب و دانشجویان» را استخراج نمودیم؛ تا هیچ عنوان و اصطلاحی در این کتاب، از قلم نیفتاده باشد؛ و این اثر، اثری جامع و کامل برای طلاب و دانشجویان در این زمینه باشد. همچنین، اصطلاحاتی که مخصوص اصولیون اهل سنت است و در کتب اصولی شیعه وجود ندارد، در این کتاب بیان شده است؛ و به پیشنهاد طلاب و دانشجویان، یک سری اصطلاحات که اصولی نیستند و اکثراً غیر اصولی (اعم از فقهی، حقوقی و ...) هستند را در این کتاب توضیح دادیم؛ چراکه این الفاظ و اصطلاحات، در برخی کتاب‌ها و مقالات اصولی استفاده شده‌اند و ممکن است طلبه و دانشجویی که در صدد تحقیق در مقالات و کتب اصولی خاص است، معنای این الفاظ و اصطلاحات را نداند.

۸- در تمام کتاب، از زیاده‌گویی‌های بی‌ثمر پرهیز شده است.

۹- وقتی مخاطب به مطالعه مباحثی در علم اصول فقه می‌پردازد، سؤالی برایش به وجود می‌آید که کاربرد این مبحث چیست؟ و آیا این مبحث، ثمره‌ای هم دارد یا خیر؟ به همین جهت، سعی کرده‌ام تا آنجا که در این مختصر ممکن بود، ثمره مباحث اصولی را هم به صورت خلاصه و مفید بیان کنم.

۱۰- مباحث بسیاری در علم اصول فقه بین اصولیون اختلافی است، که در این مباحث، تا آنجا که لازم بود، نظرات مختلف اصولیون را هم بیان کردم.

امیدوارم این کتاب بتواند گام کوچکی در جهت آموزش صحیح و کاربردی علم اصول فقه بردارد. در پایان، لازم می‌دانم از کلیه اساتید، طلاب و دانشجویانی که با تلاش شبانه‌روزی خود، بنده را در تألیف این اثر یاری کردند؛ و همچنین، بزرگوارانی که با پیام‌های صمیمانه خود، مشوق بنده بودند؛ و مسئولین محترم انتشارات کتاب آوا، تشکر و قدردانی به عمل آوردم.

محمد رضا شب‌خیز

شهر مقدس قم

فهرست

۳۸.....	اجتهاد مُتَجَزّی	۳۱.....	ایباحه
۳۸.....	اجتهاد مَشروع	۳۱.....	ایباحه شرعی
۳۸.....	اجتهاد مُطلق	۳۱.....	ایباحه عقلی
۳۸.....	اجتهاد مُعتبر	۳۱.....	اتحاد طَریق
۳۸.....	اجتهاد مقبول	۳۲.....	اتفاق نظر
۳۸.....	اجتهاد مَمْنوع	۳۲.....	اثر شرعی اِستصحاب
۳۸.....	اجزاء	۳۲.....	اثر شرعی ناشی از اثر غیر شرعی اِستصحاب
۴۰.....	اجزاء در اصول با کشف خلاف ظَنّی	۳۲.....	اثر غیر شرعی اِستصحاب
۴۰.....	اجزاء در اصول با کشف خلاف قطعی	۳۲.....	اجتماع امر و نَهی
۴۱.....	اجزاء در امارات با کشف خلاف ظَنّی	۳۵.....	اجتماع مُطلق و مُقَدّر
۴۱.....	اجزاء در امارات با کشف خلاف قطعی	۳۶.....	اجتماع مُطلق و مُقَدّر در مُستَحَبّات
۴۲.....	اجماع	۳۶.....	اجتماع یقین و شک در یک زمان
۴۳.....	اجماع تَشْرِفِی	۳۶.....	اجتماعیون
۴۴.....	اجماع تَضَمّنی	۳۷.....	اجتهاد
۴۴.....	اجماع تَعَبُدی	۳۷.....	اجتهاد به رأی
۴۴.....	اجماع خَدسی	۳۷.....	اجتهاد تَجَزّی
۴۴.....	اجماع حِسی	۳۷.....	اجتهاد شرعی
۴۴.....	اجماع دُخولی	۳۷.....	اجتهاد غیر مُعتبر
۴۴.....	اجماع سَکوتی	۳۷.....	اجتهاد غیر مقبول
۴۴.....	اجماع غیر مَدْرکی		

۵۲.....	اخبار علاجیه.....	۴۴.....	إجماع لطفی.....
۵۳.....	اخبار لا تنقض.....	۴۴.....	إجماع محض.....
۵۳.....	اخباریون.....	۴۵.....	إجماع مدرکی.....
۵۴.....	آداب حصر.....	۴۵.....	إجماع مستند.....
۵۴.....	آداب شرط.....	۴۵.....	إجماع منقول.....
۵۴.....	آداب غایت.....	۴۵.....	إجمال.....
۵۴.....	آدله.....	۴۵.....	أحادیث تثلیث.....
۵۴.....	آدله اجتماعیون.....	۴۶.....	أحادیث توقف.....
۵۴.....	آدله اجتهدادی.....	۴۶.....	أحادیث حُجّیت اصل احتیاط.....
۵۵.....	آدله احکام.....	۴۷.....	أحادیث حُجّیت اصل استصحاب.....
۵۵.....	آدله أربعه.....	۴۷.....	أحادیث حُجّیت اصل بَرَاءت.....
۵۵.....	آدله استنباط احکام.....	۴۸.....	أحادیث حُجّیت اصل تَخیر.....
۵۵.....	آدله أعتیها.....	۴۹.....	أحادیث ناهی از عمل به ظَن.....
۵۵.....	آدله إمتناعیون.....	۴۹.....	احتیاط.....
۵۵.....	آدله تفصیلی.....	۵۰.....	أحدیث روایت.....
۵۵.....	آدله حُجّیت اصل احتیاط.....	۵۰.....	أحكام خمسة تكلیفی.....
۵۷.....	آدله حُجّیت اصل استصحاب.....	۵۱.....	أحكام غیر منسوخ أديان قبل از اسلام.....
۵۸.....	آدله حُجّیت اصل بَرَاءت.....	۵۱.....	أحكام إرشادی.....
۵۹.....	آدله حُجّیت اصل تَخیر.....	۵۱.....	أحكام إمضایی.....
۶۰.....	آدله ضحیحیها.....	۵۱.....	أحكام تأسیسی.....
۶۰.....	آدله فقهانی.....	۵۱.....	أحكام تكلیفی.....
۶۰.....	آدوات حصر.....	۵۱.....	أحكام ظاهری.....
۶۰.....	آدوات شرط.....	۵۱.....	أحكام مولوی.....
۶۰.....	آدوات غایت.....	۵۱.....	أحكام واقعی.....
۶۰.....	إذن در شیء، إذن در لوازم آن است.....	۵۱.....	أحكام واقعی أولى.....
۶۱.....	ارکان إجماع.....	۵۱.....	أحكام واقعی ثانوی.....
۶۲.....	ارکان اصل استصحاب.....	۵۲.....	أحكام وضعی.....
۶۲.....	ارکان أمر.....	۵۲.....	إخاله.....
۶۲.....	ارکان قیاس.....	۵۲.....	أخبار إرجاعیه.....

۶۳.....	ارکان نهی.....	۷۱.....	استصحاب قهقرای.....
۶۴.....	ارکان وضع.....	۷۲.....	استصحاب کلی.....
۶۴.....	استثناء.....	۷۲.....	استصحاب کلی قسم اول.....
۶۴.....	استثنای اقل.....	۷۳.....	استصحاب کلی قسم دوم.....
۶۴.....	استثنای اکثر.....	۷۴.....	استصحاب کلی قسم سوم.....
۶۴.....	استحباب.....	۷۵.....	استصحاب مُسَبِّبی.....
۶۴.....	استِحسان.....	۷۵.....	استصحاب موضوعی.....
۶۵.....	استِحسان ضرورت.....	۷۵.....	استصحاب وارونه.....
۶۵.....	استِحسان قیاسی.....	۷۵.....	استصحاب وجودی.....
۶۵.....	استِدعاء.....	۷۶.....	استِصلاح.....
۶۶.....	استصحاب.....	۷۶.....	استِلاء.....
۶۶.....	استصحاب جزئی.....	۷۶.....	استعمال حقیقی.....
۶۷.....	استصحاب حکمی.....	۷۷.....	استعمال غلط.....
۶۷.....	استصحاب حکم تکلیفی.....	۷۷.....	استعمال لفظ در بیش از یک معنا.....
۶۷.....	استصحاب حکم شرعی.....	۷۹.....	استعمال مجازی.....
۶۷.....	استصحاب حکم ظاهری.....	۷۹.....	استقراء.....
۶۸.....	استصحاب حکم عقلی.....	۷۹.....	استلزامات عقلی.....
۶۸.....	استصحاب حکم واقعی.....	۷۹.....	استنباط.....
۶۹.....	استصحاب حکم وضعی.....	۷۹.....	اشتراک لفظی.....
۶۹.....	استصحاب در امور تدریجی.....	۸۰.....	اشتراک معنوی.....
۷۰.....	استصحاب در امور غیر قار.....	۸۰.....	اشتغال.....
۷۰.....	استصحاب در امور قار.....	۸۰.....	أصالة الإباحة.....
۷۰.....	استصحاب در صورت شک در رافِعیت موجود.....	۸۰.....	أصالة الإحتیاط.....
۷۰.....	استصحاب در صورت شک در مُقتضی.....	۸۱.....	أصالة الإطلاَق.....
۷۰.....	استصحاب در صورت شک در وجود رافع.....	۸۱.....	أصالة البرائة.....
۷۰.....	استصحاب زمان و زمانیات.....	۸۱.....	أصالة التخییر.....
۷۰.....	استصحاب سَبَبی.....	۸۲.....	أصالة الخَطر.....
۷۰.....	استصحاب عدم حادث.....	۸۲.....	أصالة الحَقِیقة.....
۷۱.....	استصحاب غَدَمی.....	۸۳.....	أصالة الحَلِیة.....

۹۲.....	اصل سببی.....	۸۳.....	أصالة الصَّحَّة.....
۹۲.....	اصل صَحَّت.....	۸۳.....	أصالة الطَّهارة.....
۹۲.....	اصل طهارت.....	۸۳.....	أصالة الظُّهور.....
۹۲.....	اصل ظُهور.....	۸۴.....	أصالة الغُوم.....
۹۲.....	اصل غَدَم.....	۸۵.....	أصالة غَدَم الإِشْراك.....
۹۲.....	اصل غَدَم إِشْراك.....	۸۶.....	أصالة غَدَم التَّقْدِير.....
۹۲.....	اصل غَدَم تَخْصِص.....	۸۷.....	أصالة غَدَم النِّقْل.....
۹۳.....	اصل غَدَم تَذْکِیة.....	۸۷.....	أصالت إِحتِیاط.....
۹۳.....	اصل غَدَم تَقْدِیر.....	۸۷.....	أصالت إِشْتِغال.....
۹۳.....	اصل غَدَم حُجَّتِ ظَنٍّ.....	۸۷.....	أصالت غَدَم إِشْراك.....
۹۳.....	اصل غَدَم نَقْل.....	۸۷.....	أصالت غَدَم إِضْمار.....
۹۴.....	اصل غُوم.....	۸۸.....	أصالت غَدَم التَّقْدِير.....
۹۴.....	اصل مُثَبِّت.....	۸۸.....	أصالت غَدَم تَخْصِص.....
۹۵.....	اصل مُسَبِّی.....	۸۸.....	أصالت غَدَم تَقْیید.....
۹۵.....	اصل موضوعی.....	۸۸.....	أصالت غَدَم نُسْخ.....
۹۵.....	أصول إِستِنباط.....	۸۸.....	أصالت غَدَم نَقْل.....
۹۵.....	أصول دین.....	۸۸.....	أصل (أصول عَمَلِیَّة).....
۹۶.....	أصول عَمَلِیَّة.....	۸۸.....	أصل (یکی از ارکان قیاس).....
۹۷.....	أصول فقه.....	۸۸.....	أصل إِبَاحة.....
۹۸.....	أصول فقه مُقارن.....	۸۸.....	أصل إِحتِیاط.....
۹۹.....	أصول لَفْظِی.....	۸۹.....	أصل إِستِصْحاب.....
۹۹.....	أصولیون.....	۸۹.....	أصل إِطلاق.....
۹۹.....	إِضطِرار به برخی از أطراف علم إِجمالی.....	۸۹.....	أصل بَرائت.....
۱۰۱.....	إِضطِرار به غیر مُعْیَن.....	۹۰.....	أصل تَأْخُرُ حادِث.....
۱۰۱.....	إِضطِرار به مُعْیَن.....	۹۱.....	أصل تَخْصِیر.....
۱۰۱.....	إِطْراد.....	۹۱.....	أصل خَظَر.....
۱۰۲.....	أطراف علم إِجمالی.....	۹۱.....	أصل حَقِیقَة.....
۱۰۲.....	إِطلاق.....	۹۱.....	أصل حُکْمی.....
۱۰۲.....	إِطلاق و تَقْیید.....	۹۲.....	أصل جَلِیة.....